

حبس در زیر زمین بهزیستی

بی تفاوت نبودن شهروندان شاهین شهری، به کمک کودکان حبس شده در زیر زمین بهزیستی آمد



محبوبه عظیم زاده

m.azimzadeh@shahraranews.ir

خدا می داند اگر صدایشان به گوش کسی نمی رسید، باید تا چه زمانی در آن زیر زمین محبوس می ماندند یا اگر به رسم برخی اوقات در چنین مواقعی، کسی واکنشی نشان نمی داد و بی تفاوت از کنار صدای بیداد آن ها می گذشتند. سیزدهم شهریورماه و پنجشنبه شب بود که به ظاهر شهروندانی که از حوالی اداره بهزیستی شاهین شهر اصفهان عبور می کنند، صدای فریاد تعدادی کودک توجeshان را جلب می کند، صدایی که از زیر زمین ساختمان بهزیستی به گوش می رسید. به دنبال آن با پلیس و آتش نشانی تماس می گیرند و بعد از سر رسیدن مأموران، وقتی که قفل در بسته گشوده می شود، مشخص می شود که ۱۰ کودک کار در نهایت بی رحمی در آن زیر زمین محبوس شده اند.
کودکانی که نه تنها زندگی روی خوشی به آن ها نشان نداده است، بلکه در ست در دورانی که باید عاری از هر گونه اضطراب، به شاد بودن فکر کنند، به دست آدم بزرگ هایی که گمان می کنند تصمیم درستی گرفته اند، در یک چهار دیواری زندانی شده اند. به لطف شهروندان مسئولیت پذیر، این داستان خیلی زود به گوش مأموران رسید و به لطف فضای مجازی مسئولان ارشد بهزیستی خیلی زود به این اتفاق واکنش نشان دادند. البته آن طور که در گزارش ایسا ذکر شده، مر ضیه فرشاد، مدیر کل بهزیستی اصفهان، در ابتدای کار از مصاحبه در این باره سر باز زده است، اما در ادامه، هم از مردم و هم از کودکان عذرخواهی کرد. امین عسگری، مدیر اداره بهزیستی شاهین شهر و میمه، هم که به نظر مسبب اصلی چنین حادثه ای بود، به سرعت به این ماجرا واکنش نشان داد. او به قسمتی از مطلب درج شده در رسانه ها اشاره کرد و گفت: اینکه گفته اند مأموران بهزیستی کودکان کار را در زیر زمینی متروک محبوس کرده و برای گذراندن تعطیلات آخر هفته آنان را به حال خود رها و اداره را ترک کرده اند، کذب است و من در تمام مدت در آنجا حضور داشتم. گفته ای که نه تنها

محمدناصر حق خواه

Mn.haghshah@shahraranews.ir

آنچه که این سال ها فضای مجازی خوانده می شود، تعمیر دقیق و همه جانبه و در بر گیرنده ای نیست، اما در رابطه مسئولان با مردم و مردم با مسئولان واژه ای کارراه انداز است. وقتی از لفظ فضای مجازی استفاده می شود، همه می فهمند که بیشتر از سایر شبکه های اجتماعی و نرم افزارهای پیام رسان، منظور شبکه های اجتماعی اینستاگرام، توئیتر و تلگرام است. نقاطی که عمده تمرکز، فعالیت، علاقه و البته این روزها درآمذایی مردم در آن اتفاق می افتد. فضایی که در عین کاربردی بودن و سر گرم کنندگی و انجام خدمات ارتباطی و تسهیل ردوبدل اطلاعات، مثل هر حوزه دیگری مسائل و مضلاتی هم دارد. برای همین است که چند سالی است شورایی به نام شورای عالی فضای مجازی تأسیس شده است. شورایی که از پیشوند عالی آن، معلوم است چقدر برای تصمیم گیران موضوع مهمی است تا این حد که شورایی هم رده شورای عالی انقلاب فرهنگی که مسئولیتش را رئیس جمهور برعهده دارد، برای فضای مجازی هم تأسیس کرده اند. حالا اما چهره خبرساز بخشی از همین فضای مجازی دبیر این شورااست که در این یادداشت قرار است به اظهار نظرهای اخیر او بپردازیم. آقای ابوالحسن فیروزآبادی صحبت هایش را با یکی از جنجالی ترین موضوعات درباره شبکه های اجتماعی آغاز کرده و درباره پیام رسان های بومی صحبت کرده است، او گفته که تاکنون هیچ اطلاعاتی از مسائل خصوصی کاربران در پیام رسان های داخلی فاش نشده است. این صحبت های آقای فیروزآبادی درحالی است که سال هاست تلاش زیادی برای ورود مردم به نرم افزارهای پیام رسان ایرانی شده است، اما با وجود استقبال مقطعی عده ای از مردم، به ویژه بعد از فیلتر شدن تلگرام، ضعف این نرم افزارها باعث شد که مردم دوباره از این پیام رسان ها خارج شوند و به نرم افزارهای دیگر کوچ کنند. حالا که سخن از فیلترینگ تلگرام مطرح شد، خوب است به اظهار نظر

تخلف مجازی برای مدیران توئیتری

حضور مسئولان در شبکه های مجازی فیلتر شده تخلف است؟



محمدناصر حق خواه

Mn.haghshah@shahraranews.ir

دبیر کل شورای عالی فضای مجازی به عنوان یک مقام مسئول در این باره هم اشاره کنیم، جایی که ایشان برخورد با تلگرام را طبیعی خوانده و گفته است که این پیام رسان قول هایی داده بود، اما همکاری نکرد و این برخورد بر این اساس طبیعی بوده است. فیلترینگ تلگرام یکی از پرسر و صداترین مسائل دوسه سال گذشته در فضای مجازی بوده است که در مقطعی در سال ۹۶ توده زیادی از مردم را که در آن جمع شده بودند، از هم گسست و به مکان های مختلف از جمله واتس اپ و بعضی پیام رسان های داخلی فرستاد. اما بعد از مدتی دوباره خیلی ها به فضای تلگرام برگشتند، چه با واسطه فیلتر شکن و چه با پروکسی های خود تلگرام. اما گسترش فیلتر شکن ها در سال های گذشته باعث کوچ عده ای از کاربران فضای مجازی به توئیتر شده است، یک شبکه اجتماعی جدید با کاربرد و فضایی متفاوت از اینستاگرام، جایی که عده زیادی از مسئولان هم در آن هستند و یکی از سؤالات اصلی همیشه این است که اگر این پیام رسان ها فیلتر هستند، چرا مقامات ایرانی در آن حاضرند؟ و آیا این کار خلاف قانون است یا خیر؟ واکنش آقای فیروزآبادی به این سؤال هم جالب بود. او ضمن اینکه توئیتر را در حوادث سال ۸۸ شبکه ای دانسته که مداخله آشکار داشته است، درباره مسئولانی که همین الان در توئیتر فعال اند گفته که عضویت مسئولان در شبکه های اجتماعی خلاف است! حالا باید دید چند درصد از مسئولان از فضای مجازی بیرون خواهند آمد.

این اظهار نظر یکی از مهم ترین افراد مسئول در حوزه شبکه های اجتماعی نکته جالبی بود که به شکل

رسمی و برای اولین بار به این دوگانه فیلتر بودن و

حضورداشتن مسئولان در یک فضای فیلتر شده اشاره

داشت، درست مثل اظهار نظری که بعد از چند سال

به عنوان یک مقام رسمی درباره تلگرام فیلتر شده

انجام داده بود. توضیحاتی که می تواند گاهی حتی

در صورت مخالفت بخشی از مردم با اصل ماجرا،

دست کم حسی از احترام را برای آنان زنده کند.

جنگ چوب در پرونده آق مشهد

کلاف پیچیده پرونده آق مشهد بزرگ و بزرگ تر می شود. پس از مصاحبه همشهری با حجت الاسلام حسینعلی خادمی، متولی وقف جنگل آق مشهد، که نخستین مصاحبه رسانه های کشور با او بود، این بار گفت وگویی همشهری با نفر دوم پرونده، آقای قاف، انجام شده است که شریک متولی وقف جنگل آق مشهد و بهره بردار چوب از این بخش از جنگل هیرکانی کشور است. « آقای قاف» در این گفت وگو اقرار کرده است که درصدد بهره برداری از منابع این بخش از جنگل هیرکانی است.

مطابق قانون طرح تنفس جنگل، هر گونه بهره برداری از جنگل های هیرکانی از سال ۹۵ ممنوع شد و از ابتدای امسال حتی بهره برداری از چوب های شکسته و درختان افتاده در جنگل های شمال نیز ممنوع است. اما نفر دوم پرونده که پیش تر سابقه محکومیت قضایی در بهره برداری از جنگل آق مشهد را داشته، درصدد برداشت از منابع طبیعی این منطقه است. «آقای قاف» مدعی است که پس از این روند، متوجه شده است اداره منابع طبیعی، خودش برای برداشت چوب از جنگل آق مشهد اقدام کرده است و پس از شکایت او دیگر منابع طبیعی نتوانسته است از منابع چوب در جنگل آق مشهد بهره برداری کند. او می گوید: حتی اگر درختان آق مشهد بیت المال هم نباشد، اداره منابع طبیعی نباید با بهره برداری، درختان آق مشهد را صرف خود کند، بلکه باید عواید آن به امامزاده حارث برسد. برای خواندن ادامه این گزارش از روزنامه همشهری، کد را اسکن کنید.

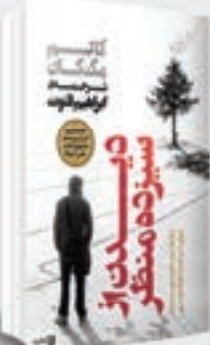


خوشبختی به ادعا نیست، به تظاهر نیست، به گفتن نیست، خوشبختی به حسه! وقتی حسن کنی، وقتی که نه توطئه افشای رونا بیت کنی، نه اونا تورو!

طعم گیلان، ۱۳۷۶

زمان حال چیز خنده داری است، اصولاً می تواند وجود داشته باشد. به محض اینکه از آن آگاه می شوی، می سیری می شود و دیگر حال نیست. این طوری ما مدام در گذشته زندگی به سر می بریم، حتی هنگامی که در حال رؤیاپردازی درباره آینده هستیم.

دیدن از سیزده منظر، کالم مک کان



روزنامه شهرامید روزنامه

۲شنبه ۱۲ شهریور ۱۳۹۶ شماره ۱۸۳۱۵

SHAHRARANEWS.IR

۱۳

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

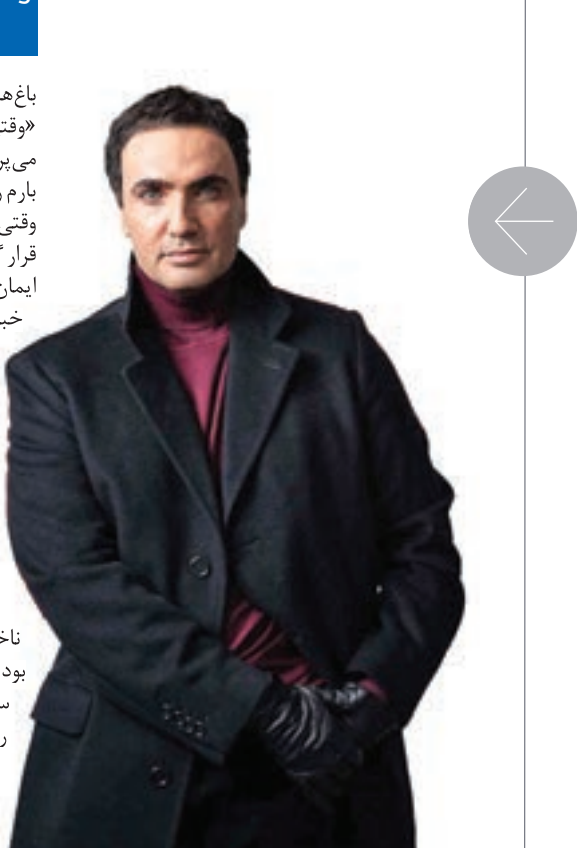
روزنامه

روزنامه



درباره شایعه ای که تکذیب شد

فروتن، محمدرضا ماند!



زهراسکندریان

z.ekandarian@shahraranews.ir

از مردی در دهه ۷۰ با چهره ای کاملاً جدی، خشن، با صدایی خشن دار و شخصیتی عاشق پیشه و با حرفی که هیچ وقت تغییر نمی کرد، «آقای قاضی من دوستش دارم نمی خواوم طلاقش بدم» تا مردی در دهه ۸۰ با شخصیتی اهل گفت و گو وقتی ساعت ها عاشقانه در باغ های کندلوس حرف می زد یا وقتی در فیلم «وقتی همه خواب بودند» از «بی بی سلیمه» می پرسید «بی بی من دیوونم؟ من که از بچگی بارم روی دوش هیچ کس نبوده، من دیوونم؟» تا وقتی که چهل ساله شد و رویه روی عزت...انتظامی قرار گرفت و شنید «تنها عاشق می شی، تنها ایمان می آری و تنها می میری» و تا الان که خبر جنجالی اش همه را شوکه کرد، وجه اشتراک همه این نقش ها، دیوانگی است که خوانده ناخواه برای ما دوست داشتنی هم شده است. محمدرضا فروتن بازیگری است که حالا در پنجاه و یک سالگی هنوز هم صدای لرزانش طرفداران زیادی دارد و برای عده ای جوان اول سینما در خاطرشان است. فروتن آن قدر این دیوانگی و عاشق بودن را خوب بازی می کرد که انگار در ضمیر ناخودآگاه سینمای ایران این طور حک شده بود «بازیگر عاشق دیوانه: محمدرضا فروتن». سال ۹۵ بود که هم زمان فروتن هم به روان شناسی روی آورد و هم به خوانندگی. البته آن طور که خودش گفته بود، از ابتدا خوانندگی را دوست داشت، اما فرصتش

فراهم نمی شد تا اینکه در یکی از برنامه ها با افشین پدالپه، شاعری که سال ۹۶ دنیارفت، کار موسیقی مشترکی را شروع کرد و در نتیجه آن آلبومی با نام «می فهممت» منتشر شد. او همان زمان به رسانه ها گفته بود که پیش از ورود به دنیای سینما، روان شناسی خوانده و حالا بعد از ۱۷ سال دوباره این رشته را تا مقطع دکتری ادامه می دهد. در گفت وگوهایش حتی نقش هایش را به شناختی که از اختلالات روانی داشته مربوط دانسته است و مثلاً گفته بود: «در فیلم قرمز نقش یک آدم پارانوئید را بازی و سعی کردم در نقش این اختلال روان شناسی را نشان دهم». بعد از آلبوم می فهممت، او ۴ تک آهنگ دیگر را هم در فاصله زمانی مردات تا دی ماه سال گذشته منتشر کرد. موسیقی هایی که اصلاً توجه مخاطب را جلب نکرد و حتی در مواقعی سوزهای شده بود برای تمسخر در فضای مجازی، مثل موزیک ویدئوی «اینستاگرام» او. موزیک ویدئویی که به انتقاد از فضای مجازی و مناسبات آن پرداخته بود، اما اشعار بسیار ضعیف همراه با موسیقی ناخوشایند و در کنار آن، بازی و میمیک های عجیب صورت فروتن باعث شد تا این ویدئو با واکنش های بسیار منفی مواجه شود. آخرین تک آهنگ فروتن هم «ژنتیک» نام داشت که اشعار آن کمی با خبر تغییر جنسیتش هم خوانی دارد: «که جبر تلخ ژنتیک شبیه شوخی شد که آر کی تایپ خودم را خودم بنا کردم». حتی بعد از انتشار آن هم نوشت: «تقدیم به همه کسانی که علیه ژن خودشون انقلاب کردن».

اما اولین نفری که از تغییر جنسیت محمدرضا فروتن خبر داد، در آخرین توییتش تکذیبیه فروتن را به علت وجود فشارها دانست. علی احمدنیا، سردبیر سابق اصلاحات نیوز،